



تأثیر بابا فغانی شیرازی بر سبک هندی با تاکید بر اشعار صائب تبریزی

محراب کردار^۱

۱- دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان استان ایلام، ایران.

چکیده

بابا فغانی شیرازی شاعر غزل سرای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. شعر فارسی در قرن نهم به اشباع مضمونی و بوطیقایی رسیده بود به طوری که شاعران دیگر نمی توانستند در سبک موسوم به عراقی شعری با طراوت و مبتکرانه بسرایند. «سبک هندی» یا «طرز تازه» جریانی در شعر فارسی که در فاصله سال‌های ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ ق پدید آمد. درباره منشأ طرز تازه که در قرن حاضر سبک هندی نام گرفت سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست ریشه‌های این سبک را در شعر برخی شاعران گذشته «از قرن ششم به بعد» جستجو می کند. دیدگاه دوم موطن اصلی این سبک را سرزمین هند می داند. دیدگاه سوم سبک این دوره را تلفیقی از دو گونه زیبایی شناسی ایرانی و هندی می داند. چندین شاعر نامدار در سبک هندی دیوان‌های جداگانه‌ای در تتبع بابا فغانی ترتیب داده‌اند، لذا می توان بر اساس کمیت و کیفیت نظیره‌های فغانی تأثیر دوران ساز وی را تا حد بسیار زیادی پذیرفت. اثرپذیری صائب تبریزی به عنوان برجسته ترین نماینده سبک هندی در ایران، از بابا فغانی، نشان دهنده محیط گسترده تأثیر فغانی بر شعر پس از خود می باشد.

واژگان کلیدی: بابا فغانی_ سبک هندی_ صائب تبریزی_ شعر فارسی



مقدمه

بابا فغانی شیرازی شاعر غزل سرای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. در تذکره‌ها نام او و نام پدرش و همچنین تاریخ ولادت او ذکر نشده. زادگاه او شیراز بوده و در آغاز عمر به کارگری اشتغال داشته و به همین دلیل گفته‌اند که در آغاز شاعری تخلص او سکاکی بوده است، اما در دیوان اشعارش همه جا تخلص او فغانی است. وفات او را در ۹۲۵ هجری نوشته‌اند.

بابا فغانی در ۳۰ سالگی به هرات رفت، که بزرگترین مرکز ادب فارسی بود. اما در آنجا بخت با او یار نبود و شاعران و درباریان شعر او را نپسندیدند و چنان شد که در آن دوران هر کس شعری می‌گفت که خالی از صنایع بدیعی بود می‌گفتند که فغانیه گفته است.

او سپس از هرات به آذربایجان سفر کرد و در تبریز به خدمت سلطان یعقوب آق قویونلو درآمد و مورد توجه او قرار گرفت و لقب [بابای شعرا] را دریافت کرد.

بابا فغانی مقارن با قیام اسماعیل صفوی به خراسان بازگشت و همانجا در گذشت. برجسته‌ترین خصوصیت بابا فغانی سادگی کلام اوست که حاصل نوع زندگی و بی‌بهرگی از تحصیل مکتبی اوست.

تذکره نویسان عموماً از میخوارگی او سخن گفته‌اند، ولی چنین به نظر می‌رسد که در سال‌های آخر عمر توبه کرده و از این عادت رهایی یافته است.

بحث

وضعیت اواخر قرن ۹:

شعر فارسی در قرن نهم به اشباع مضمونی و بوطیقایی رسیده بود، به طوری که شاعران دیگر نمی‌توانستند در سبک موسوم به عراقی شعری با طراوت و مبتکرانه بسرایند. آنها متوجه شدند که ایراد از چارچوب مضمونی سبک عراقی است که به اشباع رسیده و دیگر نمی‌تواند برای آفرینش‌های ادبی جدید پاسخگو باشد قرن نهم به جستجوی راه‌های تازه گذشت و در قرن دهم بود که این جستجوها به نتیجه رسید و راه‌ها و جریان‌های جدید به وجود آمد که منتج به سبک هندی شدند.

سبک هندی و ریشه‌های آن:

سبک هندی یا «طرز تازه» یا «سبک اصفهانی»، جریانی در شعر فارسی است که در فاصله سالهای ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ ق پدید آمد و از نظر جهان‌بینی، زبان شعری و شیوه تخیل و تصویرپردازی با شعر قرن نهم ق و پیش از آن تفاوت‌های اساسی داشت. قدیم‌ترین سند موجود که این جریان ادبی را «سبک هندی» نامیده، تاریخ منتظم ناصری (تهران، ۱۳۰۰ ق)، نوشته محمدحسن



خان صنیع الدوله، ملقب به اعتمادالسلطنه، است. او درباره میرزا طاهر وحید قزوینی (متوفی ۱۱۱۲ق) نوشته است: «اشعار او به سبک هندی هاست و چندان پسندیده نیست.

درباره منشأ «طرز تازه» که در قرن حاضر سبک هندی نام گرفت، سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست ریشه‌های این سبک را در شعر برخی شاعران گذشته (از قرن ششم به بعد) جستجو میکند. نظر غالب در این دیدگاه آن است که بابافغانی شیرازی مبدع «طرز تازه» است. این نظر را نخست اوحدی بلیانی در تذکره عرفات‌العاشقین (۱۰۲۴ق) مطرح کرد. دیدگاه دوم موطن اصلی این سبک را سرزمین هند می‌داند؛ زیرا بی‌التفاتی شاهان صفوی به شعر و شاعری سبب شد که شاعران ایرانی به هند مهاجرت کنند و در آنجا مورد تشویق شاهان گورکانی واقع شوند. در نتیجه این سبک در سرزمین‌های غیر ایرانی به وجود آمده است. این دیدگاه البته اساس استواری ندارد.

دیدگاه سوم سبک این دوره را تلفیقی از دو گونه زیبایی‌شناسی ایرانی و هندی می‌داند که در طی دو قرن به تدریج شکل گرفته است. این دیدگاه لطافت و باریک‌بینی و دقت و رقت معنی در سبک هندی را حاصل برخورد فلسفه هندی با اندیشه ایرانی می‌داند.

در بین این نظرات، دیدگاه نخست معقول‌تر و مکررتر به نظر میرسد.

تأثیر بابافغانی بر سبک هندی:

چندین شاعر نامدار در سبک هندی، دیوان‌های جداگانه‌ای در تتبع بابافغانی ترتیب داده‌اند. لذا می‌توان بر اساس کمیت و کیفیت نظیره‌های فغانی، تأثیر دوران‌ساز وی را تا حد بسیار زیادی پذیرفت و اقرار کرد که بابافغانی مهم‌ترین و موثرترین شاعر در پیدایش «مکتب وقوع» و «سبک هندی» است، چنان که در عصر صفویه، استقبال از دیوان و اشعار وی، نه تنها امری متداول بود، بلکه به آزمونی برای سنجش منزلت و مهارت شعرا بدل شده بود. نفوذ بابافغانی چنان بود که به زحمت شاعری در قرون دهم تا دوازدهم بتوان یافت که در زمین غزل‌های فغانی جواب و نظیره‌ای نسروده باشد. دیوان بابافغانی شامل ۵۷۶ غزل است و بین شاعرانی که غزل‌های بابافغانی را تتبع کرده‌اند، شانی تکلو (متوفای ۱۰۲۳) با ۲۶۱ غزل پیش‌تاز است و پس از او نوبت به شفایی اصفهانی (متوفای ۱۰۳۷) می‌رسد که ۲۳۷ غزل در جواب غزل‌های فغانی سروده است. صائب با ۲۳۶ غزل در مرتبه بعدی قرار دارد. البته او ۱۸۰ غزل فغانی را جواب گفته و این اختلاف بدین دلیل است که او برخی غزل‌های بابا را چندین بار تتبع کرده است. به عنوان مثال، صائب غزل شماره ۳۱۵ دیوان فغانی را، با مطلع:

کار ما جز نامرادی نیست دور از وصل یار

نامرادانیم، ما را با مراد دل چه کار

هشت بار جواب گفته و در بین مقلدان فغانی، گویا تنها صائب به این کار علاقه داشته است.



اثرپذیری صائب تبریزی، به عنوان برجسته‌ترین نماینده سبک هندی در ایران، از بابا فغانی، نشان دهنده محیط گسترده تأثیر فغانی بر شعر عصر خود و پس از خود می‌باشد و این مسئله را نشان می‌دهد که فغانی پیشاهنگ و مرشد شعر سبک هندی و طرز تازه محسوب می‌شده و تقلید و پیروی از راهی که او گشوده بود، برای شاعرانی در تراز صائب نیز امری معمول و متداول بوده است.

بابا فغانی که مهم‌ترین مرجع استقبال و نظیره‌سازی‌های صائب بوده، از چنان اشتهاری برخوردار است که گویا صائب لزومی به بیان و تذکر نام شاعر نمی‌دیده است. در کل دیوان حجیم صائب تبریزی، تنها چهار بار نام فغانی آمده که البته جهت احترام و بزرگی در آن هویدا است:

صائب از این غزل که چراغ دل من است

افروختم به خاک فغانی چراغ‌ها /

شد به اندک فرصتی سرخیل ارباب سخن

هر کس از روح فغانی، صائب استمداد کرد /

این غزل را پیش ازین هر چند انشا کرده بود

صائب از روح فغانی دیگر استمداد کرد /

و سرانجام این بیت مشهور که بسیار بدان استناد می‌شود:

از آتشین دمان به فغانی کن اقتدا

صائب اگر تتبع دیوان کس کنی

مطلع یکی از نمونه‌های تتبع صائب از فغانی را نیز می‌آوریم:

فغانی:

زین بحر نیلگون دم آبی ندید کس

سرها فرو رفت و حبابی ندید کس

صائب:

صد گل به باد رفت و گلایی ندید کس

صد تاک خشک گشت و شرابی ندید کس



نتیجه گیری

باباغانی به حیث شکستن سنت‌های شعر فارسی یک نقطه عطف است و او را باید نقطه آغاز نهضتی به شمار آورد که در قرن دهم گسترش یافت و در قرن‌های یازدهم و دوازدهم تحت عنوان سبک هندی شهرت یافت. بی‌جهت نیست که کسی مثل واله داغستانی (ف ۱۱۷۰ق) در قرن دوازدهم می‌نویسد «تا دیوان باباغانی ندیدم و تعمق در آن نمودم شعر نفهمیدم و تا پی به روش او نبردم شعر نتوانستم گفت» و همچنین محمد حکیم آذر آورده است که «در یک مقایسه تطبیقی می‌توان اثر پذیری شاعران معروف سبک هندی نظیر صائب، حزین لاهیجی و محتشم کاشانی را با توجه به اخذ فرم‌های خاص از غزل باباغانی مشاهده کرد» گرچه در قرن نهم طرز باباغانی چندان مورد قبول قرار نگرفت و در خراسان هم شعرش مورد تمسخر قرار گرفت، اما او سرانجام توانست در کانون آذربایجان طرز مورد نظرش را در غزلیاتش اشاعه دهد و این آغاز تاثیرگذاری او بر شعر پس از خودش بود.



منابع

- ۱- امین احمد رازی، هفت اقلیم، کلکته ۱۹۳۹، ص ۲۶۴، ۲۶۵.
- ۲- محمد بن اوحدی بلیانی، عرفات العاشقین، نسخه خطی، عرصه حرف فاء، عرفه سوم.
- ۳- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۱۳.
- ۴- سید مهدی زرقانی، تاریخ ادبیات ایران، ج ۳، ص ۱۰۶.
- ۵- دکتر محمود فتوحی، نگاهی به سبک هندی، بخش اول.
- ۶- سام میرزا صفوی، تحفه سامی، چاپ وحید دستگردی، تهران ۱۳۱۴.
- ۷- واله داغستانی، تذکره ریاض الشعرا، ۱۳۸۴: ۱۶۱۷.
- ۸- محمد حکیم آذر، طرز باباغانی، ۱۳۸۸: ۱۰۳.
- ۹- علی محمد موذنی، مقاله «تأثیر باباغانی بر جریان‌های شعری عصر صفوی»، ص ۳۳.
- ۱۰- پل ادوارد لوزینسکی، خوشامد به فغانی، ص ۲۵۰.
- ۱۱- نورالله بن شریف الدین شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران ۱۳۵۴ ش.
- ۱۲- دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم شش جلدی ۱۳۸۷، جلد ۱، ص ۳۸۸.
- ۱۳- کوروش صفوی، نگاهی به چگونگی پیدایش سبک هندی در شعر فارسی، ص ۳۵.